



دانشگاه لرستان

دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی  
رساله ی دوره ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان رساله:

بررسی تحول ماهیت معشوق شعر فارسی در سه دهه ی پس از انقلاب  
اسلامی

پژوهش و نگارش:

قدرت اله ضرونی

استاد راهنما:

دکتر محمد رضا روزبه

استاد مشاور:

دکتر محمد خسروی شکیب

شهریور ۱۳۹۰

تو نیستی که بینی

چگونه عطر تو در عمق لحظه ها جاری است

چگونه عکس تو در برق شیشه ها پیداست

چگونه جای تو در جان زندگی سبز است

تقدیم به روان پاک

مادرم

که همواره در نگاهش زیباترین لبخندهای هستی نهفته بود

تقدیر و تشکر:

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید هم مگر پیش نهاد لطف شما گامی چند

بر خود واجب می دانم که از تمامی کسانی که در دوره ی تحصیل از ایشان نکته ای آموخته ام، صمیمانه تشکر و قدردانی کنم. بخصوص از استاد نکته دان و نکته سنج، آقای دکتر محمد رضا روزبه که زحمت راهنمایی این پایان نامه را بر عهده داشتند و نه تنها در این پایان نامه، بلکه در دیگر مسائل زندگی، راهنما و مشوق بنده بوده اند و همواره در باغ پر سخاوت اندیشه های ناب ایشان به روی بنده باز بوده است. همچنین از دکتر محمد خسروی شکیب که زحمت مشاوره ی این پایان نامه را بر عهده داشتند، بسیار تشکر می کنم که با نکته سنجی های خویش، باعث پختگی این اثر شدند.

از اساتید مهربان و خوش ذوق، آقای دکتر علی نوری و آقای دکتر مجتبی جوادی نیا هم بسیار تشکر می کنم که زحمت داوری این پایان نامه را بر عهده داشتند و نکات بسیار ارزنده ای را برای پیراسته تر شدن این پایان نامه به بنده گوشزد کردند.

از اعضای خانواده ام، پدر، خواهران و برادران مهربانم صمیمانه تشکر می کنم که در طول تحصیل و دیگر مسائل زندگی، همواره مشوق و یاریگر بنده بوده اند.

و در پایان نیز از تمامی اساتید و دوستان بزرگوام که در مراحل مختلف زندگی از راهنماییهای ایشان بهره گرفته ام، صمیمانه تشکر می کنم.

## چکیده:

یکی از ارکان مهم شعر عاشقانه ی فارسی، معشوق است که در طول حیات شعر فارسی بر اثر عوامل برون متنی و درون متنی بسیاری، دچار تغییر و تحول شده است. تا قبل از انقلاب مشروطه، معشوقی کلی، قدسی و در هاله ای از ابهام و تقدس و رازناکی بر ادبیات فارسی حاکم بود، اما از دوره ی مشروطه به بعد، بر اثر تغییر و تحولات رخ داده در جامعه و برخورد هر چه بیشتر با مسائل فرهنگی غرب، خصوصاً نظریه ها و آموزه های ادبی، روانشناسی و اسطوره پژوهی، ماهیت معشوق دچار تغییر و تحول شد و به سمت فردیت پیش رفت. از این دوران به بعد، به تدریج گرایش های عارفانه در شعر فارسی کم رنگ شد و گرایش های دنیاگرایانه و به تبع آن معشوق زمینی در شعر شاعران نمود بیشتری پیدا کرد. با وقوع انقلاب اسلامی، تحولات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی جدیدی در جامعه رخ داد که بر تمامی مسائل شعری تأثیر نهاد. شعر تغزلی هم از این تحولات تأثیر پذیرفت و متناسب با این تحولات، معشوق نیز ماهیت جدیدی پیدا کرد. در این پایان نامه، به بررسی و تحلیل این ماهیت جدید و تحولات حاکم بر آن پرداخته و در آن گونه های مختلف عشق به معشوق را مورد نقد و تحلیل قرار داده ایم. در واقع این پایان نامه، پژوهشی است در مورد شعر غنایی و تغزلی سه دهه ی پس از انقلاب اسلامی از منظر واکاوی ماهیت معشوق و در آن تأثیر تحولات تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی بر تکوین ماهیت معشوق و رویکردهای فکری و زیبا شناختی شاعران این دوره نسبت به معشوق مورد نقد و تحلیل قرار گرفته است.

کلیدواژه: شعر، انقلاب اسلامی، عشق، معشوق، زمینی، آسمانی، آنیمایی، معشوق های مجازی

## فهرست مطالب

عنوان

صفحه

|    |   |
|----|---|
| ۱  | فصل اول: مقدمه و کلیات تحقیق:   |
| ۲  | ۱-۱) مقدمه .....  |
| ۶  | ۱-۲) بیان مسأله .....   |
| ۷  | ۱-۳) تعریف مفاهیم تحقیق .....   |
| ۷  | ۱-۴) سوالات تحقیق .....   |
| ۸  | ۱-۵) فرضیات تحقیق .....   |
| ۸  | ۱-۶) پیشینه ی موضوع و سوابق مربوط به تحقیق .....  |
| ۹  | ۱-۷) ضرورت ها و اهداف تحقیق .....   |
| ۹  | ۱-۸) روش تحقیق و روش تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات .....                              |
| ۹  | ۱-۹) روش و ابزار گردآوری اطلاعات .....  |
| ۱۰ | فصل دوم: درآمدی بر مفهوم معشوق در شعر فارسی   |
| ۱۲ | ۲-۱) معشوق زمینی .....  |
| ۱۳ | ۲-۲) معشوق آسمانی .....   |
| ۱۵ | ۲-۳) ممدوح در مقام معشوق .....  |
| ۱۸ | ۲-۴) معشوق آنیمایی و آنیموسی .....  |
| ۲۰ | ۲-۵) توصیف معشوق بر مبنای سنت های ادبی .....  |
| ۲۲ | ۲-۶) گونه های مجازی عشق به معشوق ( وطن، انبیا، امامان، رهبر، شهیدان ... ) در مقام معشوق |

|    |   |
|----|---|
| ۲۴ | فصل سوم: سیر تحول معشوق شعر فارسی از آغاز تا عصر انقلاب اسلامی: |
| ۲۵ | ۱-۳) معشوق در سبک خراسانی.....                                  |
| ۲۶ | ۲-۳) معشوق در سبک عراقی.....                                    |
| ۲۸ | ۳-۳) معشوق در مکتب وقوع.....                                    |
| ۲۹ | ۴-۳) معشوق در سبک هندی.....                                     |
| ۳۰ | ۵-۳) معشوق در دوره ی بازگشت.....                                |
| ۳۱ | ۶-۳) معشوق در عصر مشروطه.....                                   |
| ۳۴ | ۷-۳) معشوق از عصر پهلوی تا دوره ی انقلاب اسلامی.....            |

فصل چهارم: تحولات تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و نقش آن ها در تکوین ماهیت معشوق شعر فارسی

|    |   |
|----|---|
| ۳۸ | در سه دهه ی پس از انقلاب اسلامی   |
| ۳۹ | ۱-۴) تحولات تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی عصر مشروطه و نقش آن ها در تکوین ماهیت معشوق در شعر معاصر.....                    |
| ۴۶ | ۲-۴) تحولات تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی از عصر پهلوی تا انقلاب اسلامی و نقش آن ها در تکوین ماهیت معشوق.....              |
| ۵۴ | ۳-۴) بررسی تحولات تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تأثیر آن ها بر شعر و جریان های شعری در سه دهه ی پس از انقلاب اسلامی..... |
| ۶۲ | ۴-۴) تحولات تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نقش آن ها در تکوین ماهیت معشوق شعر فارسی در سه دهه ی پس از انقلاب اسلامی.....  |

- فصل پنجم: تحلیل ماهیت معشوق و گونه های آن در شعر سه دهه ی پس از انقلاب اسلامی: ۶۸
- ۵-۱) معشوق زمینی و گونه های آن ..... ۶۹
- ۵-۱-۱) تأملی در مانیفست های شعر عاشقانه ی سه دهه ی پس از انقلاب اسلامی ..... ۷۰
- ۵-۱-۲) بررسی تحول واژگان و ترکیبات شعری در عشق ورزی با معشوق زمینی ..... ۷۹
- ۵-۱-۳) بررسی تحول مکان و فضای عشق ورزی با معشوق ..... ۱۰۱
- ۵-۱-۴) بررسی تحول توصیفات شاعران از نحوه ی جدایی عاشق از معشوق ..... ۱۱۲
- ۵-۱-۵) بررسی تحول توصیفات شاعران از معشوق زمینی ..... ۱۱۸
- ۵-۱-۶) شناسایی و تبیین گونه هایی جدید از عشق به معشوق در شعر این سه دهه ..... ۱۳۱
- ۵-۱-۶-۱) عشق به همسر و ستایش او به عنوان معشوق قابل ستایش در شعر ..... ۱۳۱
- ۵-۱-۶-۲) معشوق مرد در نگاه شاعران زن ..... ۱۴۴
- ۵-۲) معشوق آسمانی و جلوه های آن در شعر سه دهه ی پس از انقلاب اسلامی ۱۵۴
- ۵-۲-۱) نگاهی به چگونگی شکل گیری عشق عرفانی در فرهنگ و ادبیات ایران ..... ۱۵۵
- ۵-۲-۲) نگاهی به چگونگی پیوند شعر و عرفان در ادبیات فارسی ..... ۱۵۹
- ۵-۲-۳) بررسی چگونگی از رواج افتادن عشق آسمانی در ادبیات پس از عصر مشروطه .. ۱۶۱
- ۵-۲-۴) بررسی عشق و معشوق آسمانی در شعر سه دهه ی پس از انقلاب اسلامی ..... ۱۶۵
- ۵-۳) گونه های مجازی عشق به معشوق ۱۷۹
- ۵-۳-۱) عشق به وطن به عنوان گونه ای مجازی از عشق به معشوق ..... ۱۸۰
- ۵-۳-۲) عشق به انبیا و امامان به عنوان گونه هایی مجازی از عشق به معشوق ..... ۱۹۰
- ۵-۳-۲-۱) توصیف پیامبر در بافتی تغزلی ..... ۱۹۱
- ۵-۳-۲-۲) توصیف امامان شیعه در بافتی تغزلی ..... ۱۹۲

- ۲۰۱ ..... ۳-۳-۵) عشق به رهبر و شهیدان به عنوان گونه‌هایی مجازی از عشق به معشوق ..... ۲۰۱
- ۲۰۱ ..... ۱-۳-۳-۵) توصیف امام خمینی در بافتی تغزلی..... ۲۰۱
- ۲۰۷ ..... ۲-۳-۳-۵) توصیف شهیدان در بافتی تغزلی ..... ۲۰۷
- ۲۱۱ ..... ۴-۵) معشوق آنیمایی و جلوه‌های آن در شعر سه دهه ی پس از انقلاب اسلامی ..... ۲۱۱
- ۲۱۲ ..... ۱-۴-۵) اعتقاد به دوجنسیتی بودن روان انسان ها در مکاتب فرهنگی قدیم..... ۲۱۲
- ۲۱۴ ..... ۲-۴-۵) معشوق آنیمایی و آنیموسی و بازتاب آن ها در ادبیات..... ۲۱۴
- ۲۱۵ ..... ۳-۴-۵) آنیما و نقش آن در الهام بخشی شعر به روح شاعران در سه دهه اخیر ..... ۲۱۵
- ۲۳۰ ..... ۴-۴-۵) خطاب شاعران به آنیما ( زن جاودانه ی ) درون خویش..... ۲۳۰
- ۲۳۷ ..... ۵-۴-۵) معشوق آنیموسی..... ۲۳۷
- ۲۴۳ ..... ۶-۴-۵) آنیما و ارتباط آن با معشوق زمینی ( عینی ) شاعران..... ۲۴۳
- ۲۵۰ ..... نتیجه گیری..... ۲۵۰
- ۲۵۳ ..... فهرست منابع..... ۲۵۳



# فصل اول

## مقدمه و کلیات تحقیق

عشق به عنوان پدیده ای گسترده و در عین حال پیچیده، برهستی انسان ها سایه افکنده است، این پدیده ی شگفت انگیز هستی، دارای ماهیتی تعریف ناپذیر است که هنوز پس از گذشت هزاران سال، تعریف جامعی از آن ارائه نشده است، بلکه هر انسانی بسته به میزان تجربه ای که در ارتباط با این مفهوم دارد، به تعریفی از آن در ذهن خویش رسیده است. تاریخ پیدایش عشق، عمری به درازنای حیات بشری و عاطفه ی انسان ها دارد و از خلقت انسان تا به امروز به حیات نیرومند خویش ادامه داده است و عاشقان بی شماری در دل شب های تار، این سرود جاودانه را در درون خویش تکرار کرده اند و با لای لای آن به خواب رفته اند، اما به دلیل آنکه نتوانسته اند دقایق رازناک آن را توصیف کنند، مَهر خاموشی بر لب نهاده اند و آن را به صورت تجربه ای توصیف ناشدنی در درون خویش زنده نگه داشته اند. کسانی هم که به توصیف این عاطفه ی عمیق انسانی پرداخته اند، تنها توانسته اند گوشه هایی از رمز و رازهای این پدیده را توصیف کنند و هر کدام به تناسب درک خویش، شمه ای از عظمت و شکوه عشق را بیان کرده اند.

یکی از موضوعاتی که ارتباط مستقیمی با عاطفه و احساسات انسان ها دارد، شعر است که از بدو پیدایش، با مفهوم عشق عجین شده است و از دیرباز محملی اصلی برای تجلی هنرمندانه ی عشق و توصیف دقیقه های رازناک آن بوده است. شعر از دیرباز برای دل دردمند عاشقان، دارویی مفرح و معجونی آرام بخش بوده است که ترنم موزون آن با ترنم موزون و حزن انگیز عشق لحظاتی سرشار از شادی و دلنگی را برای عاشقان رقم زده است. شعر عاشقانه یکی از گونه های مهم شعر غنایی است که در آن عشق بیشترین بازتاب را داشته است و می توان گفت همین پدیده ی عشق باعث جذابیت شعر غنایی شده است « شعر غنایی صمیمانه ترین نوع شعر و آینه شخصیت حقیقی شاعر است. اگرچه در بعضی از انواع شعر غنایی مانند مدح، فخر، مرثیه، هجو و وصف ممکن است شاعر بعضی عواطف مثل شادی و غم و اعجاب را بر خود ببندد و در

واقع بر اساس عواطفی کاذب و در جهت مقصودی مثلاً گرفتن صله شعر بگوید، اما در قسم عاشقانه شعر غنایی غالباً عاطفه ای حقیقی زمینه و انگیزه شعر را رقم می زند و به همین سبب است که شعر عاشقانه بیشتر به شعر ناب نزدیک می شود و از مفهوم شعر در مقام صنعتی که با کسب مهارت در آن بدون نیاز به احساس می توان درباره هر موضوعی شعر گفت، دور می شود. « (پورنامداریان، ۱۳۸۴: ۵۳)

با اینکه عشق عاطفه ای مشترک در میان تمام انسان هاست و از طبیعت عاطفی - احساسی انسان ها بر می خیزد، اما بیان این عاطفه ی درونی، نیازمند قریحه ای سرشار و لطفی خدادادی است که تنها در درون برخی از انسان ها ( شاعران ) قدرت شکوفایی بیشتری دارد و تنها شاعران هستند که می توانند در شعر خویش، حرف های درونی تمام عاشقان را بر زبان بیاورند. عاشقان دیگر هم، با خواندن این اشعار است که رازهای درونی خویش را در می یابند و با شاعران همزاد پنداری می کنند. اگر یکی از عوامل اصلی احساس لذت از یک شعر را، هماهنگی عاطفی و زمینه های ذهنی مشترک میان گوینده و مخاطب بدانیم، بی تردید عاطفه ی عشق، یکی از هماهنگ ترین و عمیق ترین عاطفه های بشری است که کم و بیش در روان تمام انسان ها جاری بوده است. بر این اساس می توان گفت آثاری که از مفهوم عشق بهره ی بیشتری داشته اند، در میان مردم با اقبال بیشتری روبرو بوده اند و میزان نفوذ و تأثیرشان هم بیشتر بوده است، زیرا عشق برخاسته از عواطف زلال و احساسات ظریف انسان هاست و شاعران شعر عاشقانه را برای دل دردمند خویش می سرایند نه برای دست یابی به انگیزه های مادی. « شاعر عاشق شعر را چه بسا در غیاب معشوق بگوید و برای دوستانش بخواند یا دوستانش خود بخوانند و بشنوند و به گوش دیگران برسانند. شعر عاشقانه نه به منظور انجام وظیفه و رفع تکلیف سروده می شود و نه به امید دریافت پاداشی. زمزمه ای دردمندانه برای دل خویش و ستایشی صمیمانه از حسن و جمال معشوقی است که شاعر عاشق حاضر است نقد مال و جان خود را هم در پای او نثار کند. « (همان: ۵۸)

تاریخ ادبیات سرزمین ما ثابت کرده است که عشق هرگاه خردک شری بر شعر یک شاعر تابانده است، ماندگاری آن را نیز تضمین کرده است و به راستی چه نیرویی عظیم تر و شگفت انگیز تر از مفهوم

عشق برای جاودان شدن یک اثر در طول تاریخ. روان انسان ها در هیچ دوره ای از شراره های سوزناک عشق خالی نبوده است و به موازات آن هیچ گاه از اشتیاق مردمان به اشعار عاشقانه کاسته نشده است، زیرا آنان در آینه ی این اشعار است که گوشه هایی از رازهای درونی دل دردمند و عاشق خویش را در می یابند و با طنین حزن انگیز این اشعار است که در بیغوله های وحشتناک تنهایی و دوری از معشوق، اندکی از ستم ها و بی مهریهای معشوق را التیام می بخشند. به همین دلیل شعر عاشقانه بیش از هرگونه ی دیگری بر دل انسان می نشیند و تحریک کننده ی لایه های درونی روان انسان هاست که جز با دریای بیکران عشق سیراب نمی شود.

شعر فارسی از همان نخستین ادواری که پا به عرصه گذاشت به شکل عجیبی با مفهوم عشق در آمیخته شد و تا به امروز، عشق یکی از نیرومندترین و اساسی ترین ارکان شعر فارسی را به خود اختصاص داده است. بنابراین می توان گفت جوهره ی اصلی آثار ماندگار شعر فارسی را عشق تشکیل می دهد و شاعرانی هم که به بیان رمز و رازهای عشق پرداخته اند، عاشقان بزرگی بوده اند که توانسته اند لحظات شیرین وصال و لحظات درد و رنج فراق را تا حد اعجاز آمیزی توصیف کنند. توصیف عشق و بیان رمز و رازهای آن خدمت ارزشمندی است که شاعران عاشق به جوامع بشری می کنند « رابطه بین دو انسان- دو معشوق یا دو عاشق- سالم ترین، رها ترین، زیبا ترین و عمیق ترین رابطه ای است که تاریخ روح بشر به خود دیده است. شاعر عاشق، زبان این دو رابطه است، اعلام کننده این زیبایی در رهایی و عمق است. شاعر عاشق، کسی است که در ملأعام ذهن خود را به سود بشریت دگرگون می کند و در شوارع شرق و غرب، علناً و عملاً، قدماً و قلماً عشق می ورزد. دعا کنیم که شاعران عاشق از بین نروند، چرا که خالی ماندن سنگر عشق، خالی ماندن سنگر بشریت خواهد بود. » (براهنی، ۱۳۸۰: ۳۷۹)

مفاهیمی که همزاد و همپای واژه ی عشق رشد کرده اند، عاشق و معشوق هستند که به عنوان پدید آورندگان اصلی عشق، در شعر فارسی حضوری پایدار و همیشگی داشته اند و بخش عظیمی از شعر فارسی به توصیف این مفاهیم پرداخته است، اما این مفاهیم با همه ی گستردگی و اهمیتشان در زندگی انسان ها و در

شعر فارسی، هنوز آن چنان که باید و شاید مورد نقد و تحلیل قرار نگرفته اند، محققانی هم که گوشه‌ی چشمی به توصیف این مفاهیم داشته اند، غالباً به صورت پراکنده و در میان بحث‌های دیگر، اشاراتی به این مفاهیم داشته اند، اما حقیقت این است که بررسی نکردن این مفاهیم یعنی نادیده گرفتن بخش عظیمی از شعر فارسی و ناشناخته ماندن ارکان مهم آن. بنابراین شناخت این مفاهیم، علاوه بر این که به تحلیل شعر فارسی یاری می‌رساند، بسیاری از پدیده‌های زندگی اجتماعی و جامعه‌شناختی مردمان قدیم و حیات عاشقانه و نگرش‌های زیبایی‌شناختی آنان را روشن می‌کند.

عشق و عاشق و معشوق مفاهیمی درهم تنیده هستند که بررسی و تحلیل آن‌ها به صورت جداگانه کاری است دشوار و بلکه ناشدنی. زیرا این مفاهیم هر کدام به نوعی پدید آورنده‌ی دیگری هستند و هستی‌اشان وابسته به یکدیگر است، اما برای توصیف علمی و دقیق آن‌ها به ناچار باید بنیاد کار را بر توصیف یکی از این مفاهیم نهاد و تحولات حاکم بر آن را در طول تاریخ بررسی کرد. همه‌ی انسان‌ها در زندگی خویش به نوعی پدیده‌ی عشق را تجربه کرده اند و هر کدام بنا به موقعیت خویش، دستی بر این آتش سوزان داشته اند، اما میزان تماس انسان‌ها و درک آن‌ها از این مفهوم یکسان نبوده است، گاهی این مفهوم تا درونی‌ترین لایه‌های روان انسان رخنه کرده است و گاهی در سطحی‌ترین لایه متوقف مانده است. اما پدیده‌ی مشترک در میان تمام انسان‌ها این است که همه‌ی آن‌ها مفهوم عشق را در ارتباط با پدیده‌ای به نام معشوق دریافته اند که برای هر عاشقی کیفیتی خاص دارد و معشوق برای او همان کسی است با ویژگی‌هایی خاص، که روزگاری با او نرد عشق می‌باخته است. این پدیده در طول حیات شعر فارسی دچار تحولات زیادی شده است و همگام با تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی... این مفهوم نیز دچار تحول شده است، اما متأسفانه در ارتباط با تحولات حاکم بر معشوق شعر فارسی تحقیقات بسیار کمی دیده می‌شود. در این پایان‌نامه با توجه به اهمیتی که این مفهوم در زندگی انسان‌ها و شعر فارسی دارد، به تحلیل ماهیت معشوق در شعر سه دهه‌ی پس از انقلاب اسلامی پرداخته و گونه‌های عشق به معشوق و تحولات حاکم بر آن را مورد نقد و تحلیل

قرار داده ایم. ممکن است شاعران صاحب سبکی در این دوران وجود داشته باشند که نامشان در این پایان نامه نیامده باشد. دلیل عمده ی آن این است که در این پایان نامه، سعی ما بر این بوده است که به بررسی آثار شاعرانی پردازیم که شعرشان جوهره ی تغزلی بیشتر داشته و در تحول وضعیت معشوق در این دوران نقش مهم تری داشته اند. بنابراین معیار کار ما در این پایان نامه این بوده است که ابتدا آثار شاعران صاحب سبک را بررسی کرده و از شاعرانی در تحلیل مباحث نمونه ذکر کرده ایم که شعرشان در تحول ماهیت معشوق نقش موثرتری داشته است.

#### ۱-۲) بیان مسأله:

یکی از انواع مهم شعر فارسی، شعر غنایی است که شامل گونه های مختلفی می شود. شعر عاشقانه جزو مهمترین گونه های شعر غنایی است که از همان ادوار نخستین بر ادبیات ما حاکم بوده است. ارکان اصلی شعر عاشقانه را عشق و عاشق و معشوق تشکیل می دهند که هر کدام در شعر فارسی دارای حضوری بسیار گسترده هستند. در این میان طرز نگاه شاعران نسبت به معشوق، دنیای پر رمز و رازی را در شعر فارسی بوجود آورده است. این مفهوم در طول حیات شعر فارسی، دچار تحولات گوناگونی شده است که بررسی و شناخت آن می تواند ما را در شناسایی هر چه بیشتر شعر فارسی یاری رساند. این پدیده در شعر فارسی تا دوران اخیر، حالتی کلی، قدسی و مبهم داشت که به راحتی جنس و گونه ی آن قابل تشخیص نبود « اصولاً معشوق شعر غنایی فارسی موجودی است کلی که حتی نمی شود تشخیص داد که مرد است یا زن... » (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۲۳)

این مسأله یعنی کلی بودن معشوق تا دوران مشروطه بر ادبیات ما حاکم بود، تا اینکه پس از عصر مشروطه، بر اثر تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و آشنایی هر چه بیشتر ایرانیان با جوامع غربی، دچار تغییر و تحول شد و شعرا از این دوره به بعد از شکل کلی و موهوم معشوق تا حدود زیادی فاصله گرفتند. از

این دوران به بعد کلیت معشوق در شعر های غنایی، کمرنگ تر شد و به سوی فردیت پیش رفت. شاعران از این دوران به بعد در اشعار عاشقانه، به مسائل ملموس تری روی آوردند و متناسب با شرایط جدید به توصیف معشوق پرداختند « اساطیری بودن معشوق تا ظهور ادبیات جدید بر شعر فارسی حاکم بود و فقط در شعر دوران معاصر بود که گاهی صورت معشوق به صورت چهره نموده شد. معشوق شعر فارسی چون انسان شرقی کلی است، شخصی و جزئی نیست، در همه ابعاد زمان و مکان حضور دارد و مبهم و متوسع است. انسان کلی شرقی که در دوران معاصر تحت تأثیر فرهنگ غرب به طرف فردیت ( individuality ) می رود و دیگر نمی تواند با چنان معشوق کلی مواجه شود. » ( شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۶۲ ) بنابراین معشوق شعر فارسی بر اثر تحولات تاریخی، اجتماعی، فرهنگی در طول زمان دچار تحولات زیادی شده است. از عصر مشروطه به بعد شاعران، بیشتر به جنبه ی انسانی عشق توجه کرده اند و از این پس معشوق زمینی در شعر فارسی حضور بسیار گسترده تری داشته است. در این پایان نامه سعی خواهد شد گونه ها و تحولات حاکم بر معشوق شعر فارسی در سه دهه ی پس از انقلاب اسلامی بررسی شود و در آن چهره ی معشوق شعر فارسی، در شعر این سه دهه، به تصویر کشیده شود.

### ۱-۳) تعریف مفاهیم تحقیق:

- ۱- معشوق: دهخدا در لغت نامه، به نقل از ناظم الاطبا و آندراج و منتهی الارب معشوق را ( دوست داشته ) تعریف کرده است. و نام های دیگر آن را دلبر، دلدار، جانانه، جانان، محبوب.. دانسته است. ( لغت نامه ذیل معشوق ) بر این اساس، معشوق یعنی ( دوست داشته شده ) کسی که به او عشق می ورزند و به صورت های گوناگونی از جمله معشوق آسمانی، معشوق زمینی، معشوق آئینمایی... در شعر شاعران جلوه می کند.
- ۲- شعر سه دهه ی پس از انقلاب اسلامی: شعری که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا به حال با جریان ها و گرایش های مختلفی جریان داشته است. ( با تکیه بر آثار شاعران شاخص و صاحب سبک این دوره )

۱-۴) سوالات تحقیق: (شامل سوال اصلی و سوالات فرعی)

سوال اصلی: معشوق در شعر سه دهه ی پس از انقلاب اسلامی چه ماهیتی دارد؟

سوال فرعی: تحولات تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی چه نقشی در تکوین ماهیت معشوق در شعر این

سه دهه داشته اند؟

۱-۵) فرضیات تحقیق: (فرضیه ی اصلی و فرضیات جنبی یا جانشین)

فرضیه ی اصلی:

به نظر می رسد که در شعر این سه دهه، معشوق شعر فارسی از جایگاه قدسی و کلی خود فاصله گرفته و

به سمت فردیت ( Individuality ) پیش رفته است. هرچند در شعر این سه دهه، گونه های مختلف

معشوق، از جمله معشوق زمینی، آسمانی، آنیمایی و گونه های مجازی دیگر دیده می شود، اما به نظر وجه

غالب با معشوق زمینی و ملموس است که با مفاهیم روزانه و عینی زندگی سر و کار دارد.

فرضیه ی فرعی:

به نظر می رسد تحولات تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، که پس از عصر مشروطه در سرزمین ما

رخ داده است و برخورد هر چه بیشتر با فرهنگ های غربی، خصوصاً نظریه ها و آموزه های ادبی، روانشناسی

و اسطوره پژوهی در تکوین ماهیت معشوق در شعر این سه دهه نقش داشته اند.

۱-۶) پیشینه ی موضوع و سوابق مربوط: (بیان مختصر تحقیق، نتایج به دست آمده و نظرات علمی رایج

موجود درباره ی موضوع رساله )

در مورد معشوق که از ارکان مهم شعر فارسی است، مقالات یا کتب چندانی نوشته نشده است، اما به

طور کلی در مورد جوهره ی تغزلی شعر غنایی فارسی کم و بیش آثاری نوشته شده است. محمد دهقانی



کتاب « وسوسه ی عاشقی » را در مورد بررسی تحول مفهوم عشق در ادوار نخستین شعر فارسی نوشته است. محمد مختاری کتابی تحت عنوان « هفتاد سال عاشقانه » نوشته است که نویسنده در آن، ذهنیت غنایی شعر معاصر را مورد نقد و تحلیل قرار داده است. افسانه ی برارپور کتابی تحت عنوان « جلوه های معشوق در شعر معاصر » نوشته است که در آن نویسنده به بررسی وضعیت معشوق در شعر نیما، اخوان، فروغ، شاملو و مشیری پرداخته است. جلال ستاری هم کتاب « عشق صوفیانه » را در مورد عشق عرفانی نوشته است. علاوه بر این ها در لابلا ی برخی از کتب مثل آثار سیروس شمیسا به خصوص سیر غزل در شعر فارسی، می توان نکته های ارزنده ای بدست آورد. همچنین شفیع کدکنی در کتاب ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، اشاراتی به وضعیت معشوق داشته است. اما کتاب یا رساله ای مستقل، که به بررسی تحول ماهیت معشوق در شعر سه دهه ی پس از انقلاب اسلامی پرداخته باشد، نوشته نشده است.

#### ۱-۷) ضرورت ها و اهداف تحقیق:

با توجه به اینکه تا کنون برای شناخت جوهر تغزلی شعر در سه دهه ی پس از انقلاب اسلامی، تحقیقی صورت نگرفته است، نیاز به تحقیقی مستقل، درباره ی ماهیت معشوق در شعر این سه دهه احساس می شد تا در آن تأثیر تحولات تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی بر تکوین ماهیت معشوق در شعر این دوره بررسی شود و رویکردهای فکری و زیبا شناختی شاعران امروز نسبت به معشوق مورد نقد و تحلیل قرار گیرد.

#### ۱-۸) روش تحقیق و روش تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات:

روشی که در این تحقیق اتخاذ شده روش تحلیلی - توصیفی است.

#### ۱-۹) روش و ابزار گردآوری اطلاعات:

روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه ای و ابزار آن فیش می باشد.

## فصل دوم

درآمدی بر مفهوم معشوق در شعر فارسی

یکی از علت های اصلی اقبال مردم جهان به شعر فارسی در آمیختگی عمیق آن با مفهوم عشق است. « در میان عواملی که طبایع و خاطرها را بر می انگیزد و استعداد های هنری را به جوش و خروش و حرکت وا می دارد، عشق لطیف ترین و نیرومند ترین است، گاه جانسوزترین غمها را می آفریند و هنگامی دلنشینترین شادیها را، این نوسان دل انگیز عشق، میان شادی و غم، آن چنان است که محور اصلی ادبیات غنایی جهان را تشکیل می دهد. » ( صبور، ۱۳۸۴: ۴۰۶ ) پدیده ی عشق که هماهنگی عمیقی با عواطف و تجربه های عمومی تمام انسان ها دارد، بطور نسبی در میان تمام انسان ها به وقوع می پیوندد، اما آنچه باعث شدت و ضعف این پدیده در میان انسان هاست، علاوه بر استعدادها و قابلیت های ذاتی نوع انسان، شرایط فرهنگی یک ملت است. ایرانیان که از دیرباز به داشتن فرهنگی عشق مدار مشهور بوده اند، در اشعار خویش بیشترین توجه را نسبت به این پدیده داشته اند، و در توصیف حالات شگفت انگیز آن، داد سخن داده اند و تا حد اعجاز پیش رفته اند. « آیین عشق پدیده ای خلق الساعه نبوده است. انسان ها، نژادها، و مذاهب بسیاری در پدید آمدن آن سهیم بوده اند. اما بر دست ایرانیان بود که این آیین، در باشکوه ترین جلوه خویش، قد برافراشت و مانند آتشی مقدس در آتشگاه دل عرفان ایرانی زنده ماند. و بدین سان، ادب پارسی پاس دارنده آیین عشق شد. آیینی که بی گمان در برگیرنده یکی از بزرگترین و ژرف ترین نظام های اندیشگی انسان است. » ( دهقانی، ۱۳۸۷: ۱۶ )

یکی از پدید آورندگان اصلی عشق، معشوق است، که به دلیل حضور پر رنگ و رازناک خویش در شعر فارسی به راحتی قابل تحلیل و توصیف نیست. درازنای تاریخ ادبیات این سرزمین، پُر است از مویه های عاشقانه ای که عاشقان این دیار در وصف معشوق خویش سروده اند. حجم وسیعی از اشعار شاعران ما - بخصوص در نوع غنایی آن - خطاب به این مفهوم سروده شده است، اما وضعیت حاکم بر معشوق در شعر فارسی همواره یکسان نبوده است، بلکه با توجه به تحولات تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیبایی

شناختی که در جامعه رخ داده است وضعیت معشوق هم دچار تحول شده است. برخی از محققان معتقدند که وضعیت معشوق شعر فارسی در طول تاریخ تحت تأثیر عوامل مختلفی شکل گرفته است. « نوع معشوقه های شاعران به این مسائل و عوامل بستگی تام داشته ۱- شخصیت شاعر و نوع تربیت و احوال و افکار او ۲- مکان و زمان زندگانی او ۳- سلسله و خاندان و دربار مورد انتساب او ۴- وضع اقتصادی و منابع ارتزاق او. عوامل یاد شده در تکوین و تغییر شخصیت شاعر، احوال روحی و جمعی و هدف ها و آرمانهایش تأثیر قطعی داشته اند. » (وزین پور، ۱۳۷۴: ۷۲)

معشوق در هر کدام از سبک های شعر فارسی و با توجه به فرهنگ حاکم زمان، ماهیتی متفاوت با دیگر ادوار داشته است، اما در یک چشم انداز کلی می توان گونه های عشق به معشوق را در چند دسته کلی تقسیم نمود. هر چند این گونه تقسیمات، تقسیمات دقیقی نیست، اما برای سهولت کار و دستیابی به یک نتیجه علمی، ناچار به این تقسیم بندی ها هستیم. هر کدام از این گونه ها در برخی از ادوار بیشتر مورد توجه قرار گرفته اند و در برخی از ادوار هم مقبولیت خویش را از دست داده اند. گاهی هم پا به پای هم بر شعر یک دوره حاکم بوده اند. برخی از این گونه ها، گونه های اصلی عشق به معشوق هستند و برخی دیگر گونه هایی مجازی، که در دوران اخیر با توجه به شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه به عنوان گونه هایی مجازی از معشوق در نظر گرفته شده اند و شاعران در توصیف این پدیده ها از صفات و ویژگی های معشوق استفاده کرده اند و آن ها را در بافتی عاشقانه ستوده اند. در یک چشم انداز کلی معشوق شعر فارسی را می توان به چند دسته ی کلی تقسیم کرد:

## ۲- ۱) معشوق زمینی:

با توجه به حضور گسترده ی انسان در میان پدیده های هستی، عشق انسان به انسان از گسترده ترین گونه های عشق به معشوق در شعر فارسی است. در این گونه از عشق، عاشق و معشوق هر دو انسان هستند و عشقی که میان آن ها رد و بدل می شود، عشقی است تجربه پذیر که در درجات مختلف در میان آنان اتفاق